

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونگه ولت
نویسنده: یورگ کروناو
فرستنده: نسترن نصرتی
۱۰ می ۲۰۲۳

چین تجزیه ناپذیر

سلسله مقالات درباره جمهوری خلق چین و راه طولانی مبارزه برای عدالت و رفاه.

قسمت ۸: تایوان. تلاش غرب برای تفرقه، و تحریک به جنگ.



پیشرفت و ترقی چین جهان را تغییر داده است. جمهوری خلق نه تنها توانسته خود را از فقر رهایی بخشد. بلکه این کشور که از نظر اقتصادی بشدت رشد یافته است، مدتهاست که به یک فاکتور قدرت در جهان تبدیل شده است که سلطه جهانی غرب را به نبرد فرا می خواند. غرب به این موفقیت چین در زمینه رشد، ترقی و رفاه با حمله شدیدتر واکنش نشان می دهد – با جنگ اقتصادی و با تمرکز نظامی که نگرانی از درگیر شدن در جنگ جهانی سوم را در جهان افزایش داده است.

در مجموعه‌ای دوازده قسمتی یورگ کروناور در یونگه ولت به جنبه های اصلی این تحولات برای برجسته کردن پیامدهای ظهور جمهوری خلق برای روابط بین الملل می پردازد.

آیا بر سر تایوان جنگ رخ خواهد داد؟ هفته ای نیست که بگذرد و این سؤال حداقل در عرصه سیاست و رسانه های غرب مطرح نشود.

و همچنین این یک واقعیت است که درگیری بین جمهوری خلق و غرب بر سر تایوان به طور خطرناکی در حال تشدید شدن است.

تایوان از زمانی که به طور رسمی در استان فوجیان چین در اواخر قرن هفدهم تحت سلسله چینگ ادغام شد، بخشی از چین بوده است. مانند سایر نقاط کشور، قدرت های استعماری از اواسط قرن نوزدهم مشکلاتی را در چین ایجاد کردند. به عنوان مثال، در دهه ۱۸۶۰، پروس با ایده ایجاد یک مستعمره در تایوان بازی کرد. با این حال، چیزی از این حاصل نشد. در سال ۱۸۹۵، جاپان نقشه شکست خورده پروس را اجرا کرد و این جزیره را پس از پیروزی در جنگ اول چین و جاپان تحت سلطه خود درآورد.

در سال ۱۹۴۵، توکیو در نتیجه شکست در جنگ جهانی دوم، مجبور شد به حکومت استعماری خود بر تایوان پایان دهد و آن را به چین بازگرداند. اما مشکلات به همین جا ختم نشد.

گومیندانگ که در جنگ داخلی چین شکست خورده بود، موفق شد خود را در تایوان مستقر کند و جزیره را از کنترل حزب کمونیست خارج کند، به ویژه با حمایت غربی ها!

گومیندانگ که جو گیر شده بود ادعا کرد که جمهوری چین در تایوان و تحت حاکمیت آنها به حیات خود ادامه خواهد داد، البته به طور موقت و محدود به قلمرو جزیره ای کوچک – آنها مدتها به سرنگونی جمهوری خلق امیدوار بود. بیجینگ هرگز آنها را به رسمیت شناخت.

با این حال، در سطح بین المللی، این تاپیه بود که در ابتداء توانست خودی نشان دهد: این کشور نه تنها در سازمان ملل متحد بلکه حتی در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز کرسی چین را در اختیار داشته است.

این وضعیت تنها زمانی تغییر کرد که بیجینگ به لطف استعمار زدائی در بقیه مناطق جهان توانست اکثریتی از کشورهای تازه استقلال یافته را در سازمان ملل متحد به نفع خود بسیج کند.

در ۲۵ اکتوبر ۱۹۷۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به ویژه به لطف موافقت بسیاری از مستعمرات سابق در قطعنامه ۲۷۵۸، تصمیم گرفت که دیگر تایوان، به عنوان نماینده قانونی چین شناخته نشود و تنها نماینده چین رسماً جمهوری خلق اعلام شد. تاپیه مجبور شد تمام مواضع و کرسی های خود در سازمان ملل متحد به جمهوری خلق چین بسپارد.

کشورهای غربی به این مصوبه پایبند بوده‌اند، به ویژه از زمانی که به هر حال در دهه ۱۹۷۰ با جمهوری خلق روابط دیپلماتیک برقرار کردند و مجبور بودند «اصل چین واحد» را – که بر طبق آن فقط یک کشور قانونی وجود دارد – به دلایل غیر قابل کتمان به رسمیت بشناسند و آنها رسماً تا به امروز به آن پایبند هستند.

با این حال، تقریباً دو سال پیش آنها شروع به ارتقاء سیستماتیک جایگاه تایوان کردند و بنابراین به طور مؤثر «اصل چین واحد» را زیر سؤال بردند.

این موردی بی اهمیت و حاشیه ئی نیست. زیرا جمهوری خلق بی وقفه بر تمامیت ارضی خود اصرار دارد که نتیجه تقسیم استعماری کشور در قرن نوزدهم است.

طنز داستان در آن است که از قضا، جمهوری خلق چین می تواند با گومینتانگ کنار بیاید. حدود ۳۰ سال پیش، آنها با هم در مورد «اجماع ۱۹۹۲» به توافق رسیدند:

هر دو طرف به «اصل چین واحد» پایبند هستند، اگرچه البته نظرات متفاوتی در مورد این که دولت قانونی چین کیست دارند. با این حال، اجماع اساسی، موجب کاهش تعارض شده بود.

در این مورد، اما ایالات متحده فعالانه به تسلیح نیروهای مسلح تایوان پرداخت و اخیراً حتی حدود ۲۰۰ مستشار نظامی را به جزیره فرستاده است.

بیجینگ به نوبه خود شروع به پاسخ دادن به تحریکات خاص غرب با مانورهای گسترده کرده است: با نمایشی که تهدید به جدائی رسمی جزیره را تداعی می کرد. بیجینگ نشان داده شده است که محاصره تایوان احتمالاً اثر گذار تر و موفقیت آمیزتر از یک تهاجم نظامی به جزیره است.

البته، این می تواند براحتی به یک درگیری مسلحانه تبدیل شود: اگر ایالات متحده سعی کند با زور از این محاصره عبور کند آنزمان این می تواند براحتی به یک درگیری مسلحانه تبدیل شود، و این احتمالاً آغاز یک جنگ بزرگ خواهد بود.